

ارمنی مزار صاندوقه^(۱) - گورستان دوره هخامنشی در دوسران
زنجان

گورستان دوره هخامنشی در "دوسران" زنجان

مهدی رهبر

بر اساس گزارش میراث فرهنگی زنجان^(۲) در اثر کاوشهای غیرمجاز در روستای دوسران از توابع قره پشتلو، آثار ارزنده‌ای کشف و به فروش رفته بود.^(۳)

دو سران حدود ۴۵ کیلومتری شمال غرب زنجان واقع شده است. این زوستا از توابع قره پشتلو است که جاده‌ای نه چندان مناسب دهکده‌های چندی را به هم ارتباط می‌دهد.

هیأت قبل از انجام بررسی و گمانه زنی، به بازدید از محوطه و جمع‌آوری مسموعات در مورد حفاران قاچاق عتیقه پرداخت.

محوطه‌ای که بر اساس گزارش، مورد کند و کاو قاچاقچیان قرار گرفته بود بر روی تپه‌ای بود که ارمنی مزار صاندوقه یا داشلی‌یر نامیده می‌شود. این محوطه به صورت طبیعی و تپه ماهورهایی است که منتهی به زمینهای کشاورزی می‌شود. دو تپه همجوار هم، یعنی داشلی‌یر و اوزاریک تپه با روستای دوسران حدود ۲ کیلومتر فاصله دارند و مظهر قنات روستا از پای آنها می‌گذرد. کمی دورتر از این دو تپه، تپه دیگری است طبیعی که آثاری روی آن دیده می‌شود. تپه اخیر را روستائیان «نوری یری» می‌گویند.

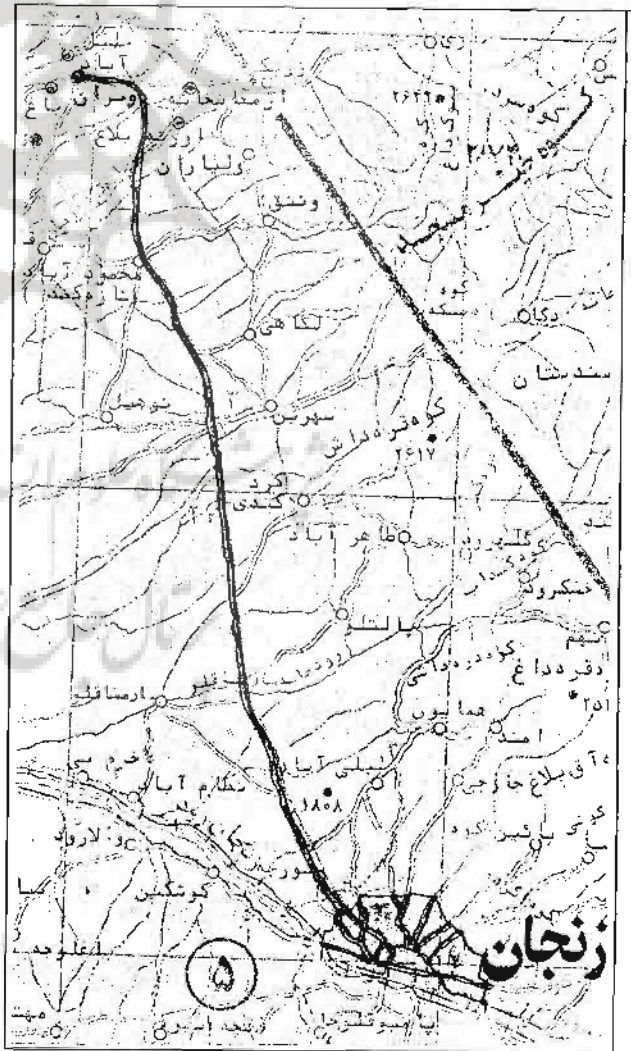
۱- اوزاریک تپه^(۴)

تپه‌ای که در سمت جنوب واقع شده و ارتفاعی حدود ۵ متر از سطح زمینهای اطراف دارد «اوزاریک تپه» نامیده می‌شود. وجه تسمیه آن بوته‌های اسفندی است که در سطح آن روئیده می‌شود. در سطح این تپه به وسیله قطعات سنگهای قلموهای و رودخانه‌ای، محدوده‌هایی به ابعاد ۳ تا ۴ متر طول و ۱/۵ تا ۳ متر عرض به وجود آمده است.

در جای جای سطح این تپه در اثر کاوشهای غیرمجاز به وسیله قاچاقچیان، گودالهایی به چشم می‌خورد.

در خاکهای جا به جا شده به وسیله قاچاقچیان قطعاتی از سفالهای ساده به چشم می‌خورد. ضمناً در مقاطع برخی از این گودالهای ناشی از حفاری قاچاق، یک لایه نسبتاً ضعیف استقرار مشخص بود. بزودی معلوم شد، سنگ چینهای اشاره شده در فوق، محدوده قبور اسلامی است. اما این قبور هیچ گونه سنگ قبر یا علامت و نشانه‌ای که حتی تاریخ تقریبی این گورستان را مشخص کند، نداشتند. از طرفی قطعات سفالهای جمع‌آوری شده فاقد هر نوع مشخصه برای تاریخ‌گذاری قطعی بودند.

دو قبر از قبور این گورستان کاوش شد اگرچه هیچ گونه مدرکی دال بر تاریخ آن به دست نیامد ولی اسلامی بودن قبور مسجل گردید.



این گمانه در سمت شمال که به طرف شیب تپه در عمق ۷۰ سانتی‌متری به خاک بکر رسید. اما در سمت جنوب آن که به طرف مرکز تپه کشیده می‌شود در عمق ۹۵ سانتی‌متری خمره‌ای متوسط با لبه برگشته که دارای تزئین طنابی روی بدنه بود کشف شد.

از سطح تپه لایه‌ای به ضخامت ۹۰ سانتی‌متر و در زیر آن تا عمق ۱۴۰ سانتی‌متری لایه دیگری ملاحظه می‌شود. به طوری که ضخامت لایه باستانی این تپه بیش از ۲۰۰ سانتی‌متر نیست. در این لایه اخیر جز خاکستر، شیئی یا قطعات سفال به دست نیامد.

خمره‌ای که از این گمانه کشف شد دهانه‌ای برابر ۲۱ سانتی‌متر دارد که لبه آن به خارج برگشته است. متأسفانه این خمره فاقد بخش زیرین بود و ضمناً از داخل آن هیچ گونه شیئی به دست نیامد و خاک آن نیز از حیث رنگ متفاوت با خاک اطراف نبود.

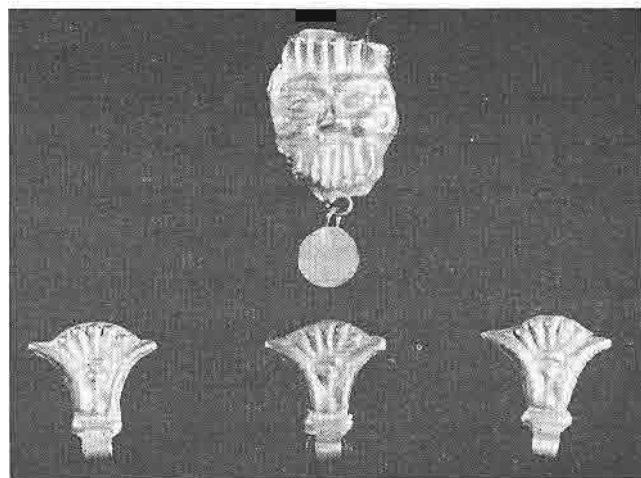
اگر چه محدودیت کار و عدم دسترسی به اشیائی که بتوان تاریخ دقیق آنرا مشخص نمود به دست نیامد اما با توجه به نوع سفال خمره مکشوفه می‌توان لایه باستانی نوری یری را همزمان گورستان ارمنی مزار دانست.

۳- ارمنی مزار صندوقه یا داشلی‌یر

با توجه به نزدیکی اوزاریک تپه و ارمنی مزار، اطلاق دو تپه به آنها شاید ناصواب باشد. زیرا شمال اوزاریک تپه بدون هیچ واسطه‌ای با دامنه تپه دیگری به نام ارمنی مزار مربوط می‌شود. آثار کندوکاو بی‌شماری بر روی این بخش از تپه نیز دیده می‌شود. ارمنی مزار بر خلاف تپه نوری یری که سطح آن از خاک پوشیده شده بود، از سنگهای قلوه‌ای همراه با یک نوع خاک سیاه رنگ سطحی است که از چند سانتی‌متر تجاوز نمی‌کند.

بنا بر اظهارات متهمین به حفاری غیرمجاز، اشیاء فروخته شده از همین تپه به دست آمده بود. وجه تسمیه «ارمنی مزار صندوقه» یا قبرستان صندوقی ارمنی‌ها به درستی معلوم نیست، همچنین مشخص نیست از چه زمانی این نام بر سر زبانها افتاده است. از طرفی بر اساس تحقیقات انجام شده در این روستا و اطراف آن ارمنی‌ها زندگی نمی‌کردند. ناگفته نماند که عده‌ای نیز این تپه را «داشلی‌یر» می‌نامند. ممکن است وجه تسمیه داشلی‌یر در ارتباط با سنگهای بالای قبور باشد که به عنوان نشانه، به طور عمودی برافراشته بوده‌اند.

به منظور شناسائی نوع قبور و نحوه تدفین و تاریخ آن و همچنین عمق آنها، یکی از گورهای غارت شده به وسیله قاچاقچیان مورد بررسی قرار گرفت. لازم به ذکر است ظاهراً قبور این تپه فقط در بخش شرقی قرار داشتند و تمام کندوکاوها نیز در این قسمت انجام شده بود. بر روی تپه‌های اوزاریک و ارمنی مزار جمعاً ۱۵ گمانه حفر شد.



آویزهایی از گل لوتوس و تصویری از بس Bès
نیه خدایی که حافظ زنان و کودکان و جنگجویان بوده است.

در منتهی‌الیه شرق اوزاریک تپه، گمانه‌ای به ابعاد 3×2 متر حفر شد. هدف از اجرای این گمانه، یافتن استقرار یا استقرارهایی بود که احتمالاً در زیر این گورستان اسلامی وجود داشت. در عمق ۵۰ سانتی‌متری به توده‌ای از سنگ لاشه همراه با ملات گل که تقریباً جهت شمالی - جنوبی داشتند، برخوردیم. ظاهراً این ساخت و ساز مربوط به یک بنائی بود که پی دیوارهای آن حدود ۶۰ سانتی‌متر عرض داشتند. در لایه لای خاکها حد فاصل بین دو دیوار، علاوه بر قطعات استخوان حیوانی (احتمالاً گوسفند)، قطعات کوچک سفال بدون نقش به رنگ قرمز آجری از نوع سفالهای دوره تاریخی به دست آمد. این گمانه در عمق ۱۲۰ سانتی‌متری به خاک بکر رسید.

۲- تپه نوری یری

در سمت شرق اوزاریک تپه به فاصله حدود ۱۵۰ متری آن، تپه دیگری است به نام «نوری یری» در سطح تپه نوری یری نیز کاوشهای غیرمجاز متعددی صورت گرفته است. علاوه بر قاچاقچیان، روستائیان نیز خاک این تپه را به منظور تهیه کاه گل و دیگر مصارف بنائی برداشت کرده‌اند. این تپه حدود ۱۲۰ متر در ۱۲۰ متر است و ارتفاع آن نسبت به سطح زمینهای اطراف ۱۰ متر است. اما لایه‌های باستانی این تپه بر روی یک تپه طبیعی قرار گرفته‌اند و ضخامت لایه باستانی حداکثر به $2/5$ تا ۳ متر می‌رسد. در برخی از مقاطع حفاری شده این تپه بقایای دیوارهایی که به وسیله قلوه سنگ و ملات گل ساخته شده است، دیده می‌شود.

در سمت شمال تپه و در ارتفاع ۸ متری از سطح زمینهای اطراف، گمانه‌ای به طول ۵ متر و عرض ۲ متر در جهت شیب تپه انتخاب شد. هدف از گمانه زنی بر روی این تپه جمع‌آوری مدارک به منظور شناسائی استقرار در این تپه در ارتباط با گورستان اوزاریک تپه یا ارمنی مزار بود.

✱

گور شماره یک ارمنی مزار

۱۱۰ سانتی متر و عرض ۷۰ و ضخامت حدود ۳۰ سانتی متر پوشیده شده بود.

از آنجایی که این گور غارت شده بود به همین جهت وضعیت تدفین و جهت اسکلت و نوع اشیایی که با جسد دفن شده بودند برای ما نامشخص باقی ماند. فقط در عمق ۱۳۰ سانتی متری قطعات کوچکی از استخوان در لایه لایه خاکهای گور به دست آمد.

به این ترتیب اگر چه شیوه تدفین و جهت اسکلت و نوع اشیایی که همراه جسد دفن شده بود برای ما مجهول ماند اما حداقل درباره شکل گورها و عمق آنها اطلاعاتی به دست آمد.

گور شماره ۲

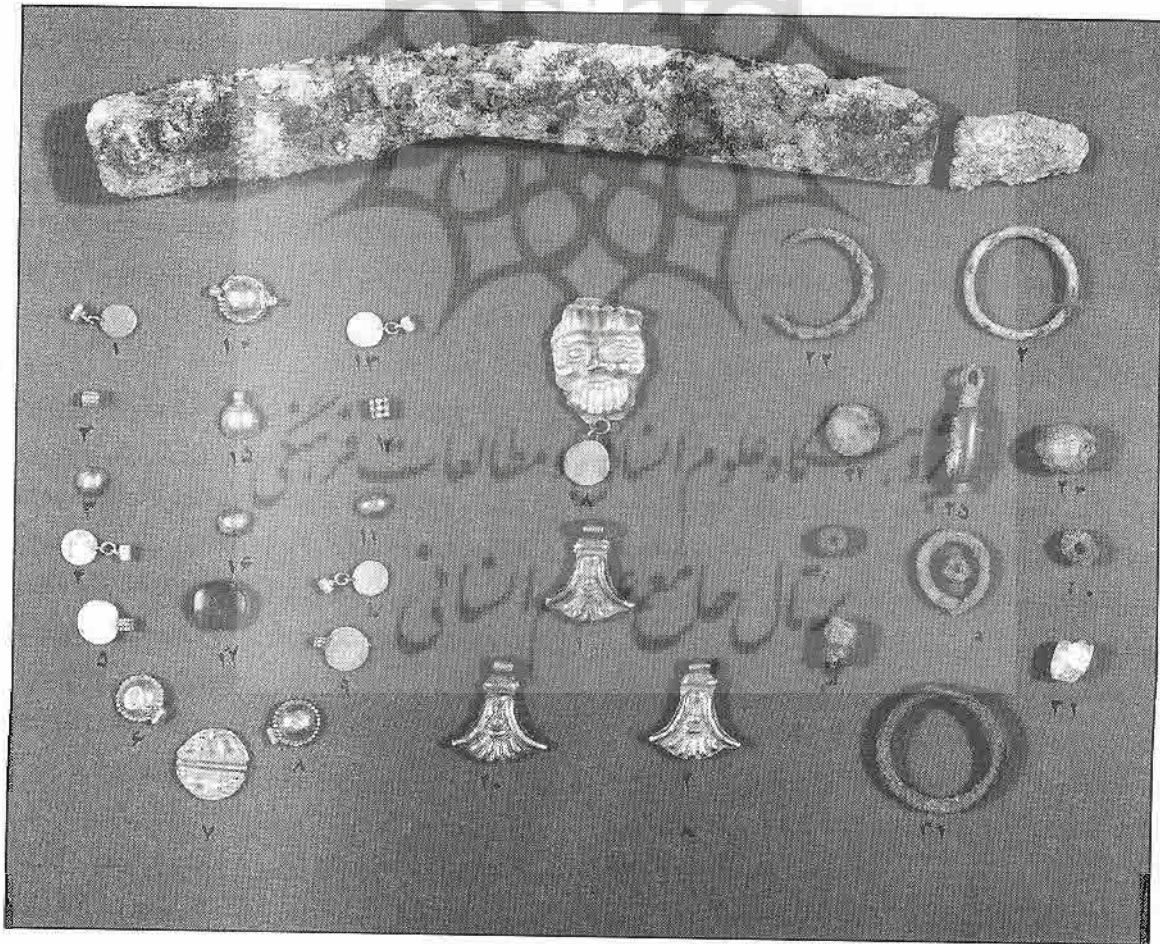
از گورهای متعددی که در سطح این تپه مورد دستبرد قرار گرفته اند، کسی نشانه ای از اشیاء آنها نمی دهد. ممکن است قبور فاقد اشیاء ارزشمند بوده اند و یا اینکه بدون سر و صدا به وسیله قاچاقچیان غیر بومی غارت شده است.

تنها گوری که طبق اظهارات قاچاقچیان محلی، دارای اشیاء با ارزش بوده و توسط آنها غارت و فروخته شده، گور شماره ۲ بوده است. اما این

اولین گوری که مورد مطالعه قرار گرفت در سمت شرق تپه و در ارتفاع حدود ۷ متری از سطح زمینهای زراعتی بود که ظاهراً اشیاء آن به غارت رفته است. از آنجایی که این گور از فرم و حالتی برخوردار بود که حدس زده می شد کمتر مورد تغییر واقع شده و می تواند اطلاعاتی در این زمینه بدهد، به عنوان نمونه قبور انتخاب شد.

این گور گودالی بود قیفی شکل که تخته سنگی روی آن قرار داشته است. قاچاقچیان بدون جابجایی سنگ با حفر کانالی خود را به داخل گور رسانیده و اشیاء آن را غارت کرده بودند.

همان طوری که قبلاً بیان شد، سطح تپه را یک لایه خاک سیاه همراه با قطعات کوچک سنگ تشکیل می دهد. اما بخش زیرین آن از نوعی ساروج طبیعی است. قبور در داخل این بخش سخت کنده شده اند. قطر بخش سطحی این قبور حدود ۲ متر است ولی در عمق حدود ۱۰۰ سانتی متری، قطر گور به ۸۰ سانتی متر می رسد. عمق گودال نیز از حدود ۱۵۰ سانتی متر تجاوز نمی کند. تخته سنگهای بالای قبور معمولاً در زیر خاک سیاه سطحی و دقیقاً جایی که خاک سخت و ساروج مانند دارد گذارده شده اند. گور شماره یک با تخته سنگی به طول تقریبی



مجموعه اشیاء زینتی و تدفینی گورستان دو سران زنجان

گور نیز به طوری مغشوش بود و خاکهای آن در ابعاد زیاد چند بار زیر و رو شده بود که ظاهراً امید به یافتن شیئی را منتفی می نمود.

اما به فاصله یک متری جنوب شرقی این گور گودالی به وسیله قاچاقچیان کنده شده بود و سنگ بزرگی به ابعاد $35 \times 100 \times 165$ سانتی متر در عمق حدود ۲۵ سانتی متری از سطح زمین قرار داشت. همان طوری که از ابعاد سنگ فوق مشخص می شود، سنگینی این سنگ به نحوی است که به طور عادی و آسان جابجا نمی شود. به همین جهت قاچاقچیان به منظور دستیابی به محتویات قبر در سمت شرق و غرب آن حفره‌ای ایجاد کرده بودند. با اینکه مسلم بود این گور نیز غارت شده است، مع الوصف به علت وضعیت قرار گرفتن سنگ و مشکل دسترسی به همه زوایای آن، می توانست احتمالاً بقیائی داشته باشد یا حداقل اطلاعاتی بیشتر از آنچه از قبر شماره یک به دست آوردیم، حاصل شود. به همین جهت گمانه‌ای به طول ۴/۵ متر و عرض ۲/۵ متر انتخاب شد. این ابعاد کمی بیش از تمامی مساحت گور حفاری شده بود. به تدریج از بالا تمام سطح روی سنگ خاکبرداری شد و تخته سنگ مزبور آزاد شد. چون امکان حفاری با وضعیت حاضر وجود نداشت و بیم آن می رفت تخته سنگ فوق در اثر خالی شدن زیر آن، لغزیده و صدمه‌ای به کارگران بزند، به همین جهت تصمیم گرفته شد ابتدا سنگ مزبور جا به جا شده در کنار گودال قرار گیرد.

در سمت شرق گمانه در عمق حدود ۸۰ سانتی متری از سطح تپه، قطعاتی از استخوان حیوان بزرگ جثه‌ای مانند اسب یا گاو وجود داشت و نیز چند قطعه سفال ساده از بقیای یک ظرف سفالی. از جمله استخوانهای فوق یک قطعه استخوان ران یا ساق و یک عدد قاب بود. این امر نشان می داد که به اسکلت حیوانی که تصادفاً در اینجا قرار گرفته است مواجه نیستیم بلکه ظاهراً قسمتی از گوشت بدن یک حیوان (گاو) نهاده شده است. با توجه به اعتقادات زندگی پس از مرگ، قرار دادن مواد خوراکی همراه جسد موضوع جدیدی نیست. احتمال می دهیم این استخوان، بقیای ران یک گاو باشد که هنگام دفن جسد در کنار آن نهاده شده تا متوفی پس از مرگ از آن استفاده نماید. اگر چه آقای گیرشمن اعتقاد دارد، در این دوره قربانی‌های خونین و نوشیدن هوم در اثر تغییراتی که زردشت در آئین مزدائی به وجود آورده بود، ممنوع شد و دلیل آن را استفاده انسان از چهارپایانی ذکر می کند که بشر را غذا می دهند و برای او کار می کنند و باید مورد احترام باشند.^(۶)

در کنار این استخوانها یک شئی فلزی (آهنی) به طول ۵ سانتی متر که کاربرد آن برای ما نامشخص است، پیدا شد.

در قسمت اصلی گور یعنی جایی که حجم و وزن سنگ مانع انجام کار بود، جستجو و بررسی شروع شد. با اندکی تفحص مشخص شد این گور دو بار در دو نوبت با فاصله زمانی قابل توجه مورد دستبرد قرار گرفته است. یک بار در عرض سال ۷۵ که حفر

حفره‌ای در دو طرف سنگ، زیر آن را خالی کرده بودند.^(۷) و یک بار هم در سالهای دورتر. وضعیت خاکهای اطراف گور به وضوح این مسئله را نشان می داد. زیرا محل کندوکاوهای اخیر دارای خاک نرم بود در حالی که مکانهایی که دستکاری نشده بود، دارای خاک سفت و متراکم بود. جالب این بود که در همان خاک سفت و متراکم گور، قطعاتی از استخوان و دندانهای انسان و نیز اشیاء کوچک طلائی در اعماق مختلف به دست آمد.

از این گور در لا به لای خاکها، اشیاء کوچکی از طلا و نقره که شرح آنها داده خواهد شد کشف شد. که هیچکدام در جای مشخصی قرار نداشتند. بلکه ما آنها را از لا به لای خاکهای به دست آوریم. این تشتت نشانه حفاریهای غیر مجاز و دستبرد به گور بود.

همان طوری که قبلاً بیان شد، سطح این تپه در عمق بین ۴۰ تا ۵۰ سانتی متر را خاک شیاه رنگ همراه قلوه سنگ تشکیل می دهد. در زیر این لایه که خاک سطحی است، یک لایه ساروج مانند طبیعی بسیار سخت وجود دارد. قبور این منطقه تقریباً همگی در داخل لایه ساروج مانند کنده شده اند. عمق این گور نسبت به سطح زمین ۱۶۵ سانتی متر و ابعاد حفره در جایی که جسد دفن شده ۶۰ سانتی متر بود که مخروط معکوس است. جسد را به علت فضای کمی که در عمق گور وجود دارد یقیناً به طور جمع شده دفن می کردند. لوازم زینتی را در اطرافش نهاده سنگ حجیمی را روی آن گذارده با خاک روی آن را می پوشانیدند. در این گور، قسمتهایی از یک گردنبند به صورت ورقه‌های گرد از طلا و یا ورقه‌هایی که دو پوسته بوده حاشیه آن ملیله کاری شده است کشف شد. برخی از این صفحات در دو سو دارای یک یا دو حلقه کوچکی و به صفحات بعدی وصل می شده اند. البته این صفحات با



اشیاء گورستان شماره ۳

توجه به حلقه‌های طرفین می‌توانسته همچون دستبند نیز استفاده شده باشد. چند نیم‌سکره کوچک طلائی که ظاهراً روی لباس دوخته می‌شده است نیز از همین گور به دست آمده، علاوه بر آن چند قطعه تزئینی طلائی به شکل گل لوتوس که اجزاء یک گردنبند هستند و همچنین تصویری از صورت انسان که بر روی صفحه طلا قالب زده شده و در زیر آن صفحه فلزی گردی است که با یک حلقه کوچک به آن اتصال یافته است. ظاهراً کاربردی همچون کلیه گردنبند داشته است.

شرح کلی اشیاء کشف شده گورستان دوسران

۱- یک آویز مربوط به گردنبند از جنس طلا، به صورت سر انسان که دارای ریش با موهای موازی و گونه‌های برجسته است. این سر که به صورت ماسک کوچک ساخته شده کلاهی شبیه کلاه پارسی دوره هخامنشی بر سر دارد. در منتهی‌الیه ریش حلقه‌ای است که پولک گرد نازکی به آن آویزان است. در قسمت پشت، دو حلقه کوچک، یکی در بالا و دیگری در پایین، به منظور نصب روی لباس یا اتصال به اجزاء دیگر مانند گردنبند جوش داده شده است.

این نقش که به عنوان نظر قربانی مورد استفاده قرار می‌گرفته، به شیوه پرسی ساخته شده است. طول سر و صورت بدون احتساب حلقه و پولک پاشی ۲/۴ سانتی‌متر و عرض صورت ۱/۷ سانتی‌متر است و قطر پولک آویز ۰/۹ سانتی‌متر است. وزن آن نیز ۱/۷۳ گرم است.

۲- سه عدد گل لوتوس از جنس طلا که به عنوان آویزی جهت گردنبند بوده‌اند. گلها دارای ۷ پره هستند. دم گل به شکل لوله باریکی است که در داخل آن یک میله استوانه‌ای شیشه‌ای تو خالی کمی بزرگتر از طول لوله جای داده شده و ظاهراً نخ گردنبند از آن عبور می‌کرده است. این آویز دو پوسته بوده که با ظرافت خاصی به هم اتصال داده شده است. پرها و تخمدان گل، به وسیله پرس، به صورت برجسته نمایش داده شده اما بخش زیرین آن صاف است. طول این گل ۲ سانتی‌متر و عرض آن در قسمت تاج گل ۱/۷ سانتی‌متر است. وزن سه عدد گل لوتوس ۲/۴۹ گرم است.

۳- چهار عدد آویز کوچک مربوط به سینه ریز یا دستبند از جنس طلا. یک دسته استوانه‌ای شکلی که با واسطه دو حلقه کوچک به پولک گرد نازکی به قطر ۰/۷ سانتی‌متر متصل است. وزن چهار عدد آویز جمعاً ۱/۲۶ گرم.

۴- دو عدد آویز کوچک از جنس طلا مربوط به سینه ریز یا دستبند با دسته استوانه‌ای شکل ثابت، قطر پولک ۰/۸ سانتی‌متر است و وزن دو عدد جمعاً ۰/۵۸ گرم است.

۵- یک عدد آویز مربوط به سینه ریز یا دستبند از جنس طلا. این آویز مجوف و دو پوسته بوده، بخش زیرین آن مسطح و بخش بالایی محدب است و دو دسته کوچک در دو جهت دارد محل اتصال صفحه

زیرین و بالایی به صورت ملیله کاری تزئین شده است. قطر ۰/۹ سانتی‌متر.

۶- دو عدد آویز طلائی مجوف که سطح بالائی محدب و سطح زیرین آن صاف است. اگر چه شبیه شنی شماره ۵ است. اما دارای یک دسته می‌باشد و قطر صفحه ۰/۹ سانتی‌متر است. وزن این دو شنی جمعاً ۰/۹۸ گرم است.

۷- یک عدد آویز مجوف که سطح خارجی آن محدب است و فاقد ملیله‌های دور می‌باشد. قطر آن ۰/۷ سانتی‌متر و وزن آن ۰/۳۴ گرم است.

۸- سه عدد دکمه طلائی نازک و کوچک به صورت نیم‌کره که در قسمت داخلی آن زائده‌ای حلقه‌ای شکل است که جهت دوختن روی پارچه تعبیه شده است. این پولکها یا دکمه‌ها می‌توانسته روی حاشیه لباس، کلاه و غیره دوخته شود. قطر آن ۰/۱۶ سانتی‌متر و وزن آن جمعاً ۰/۲۹ گرم است.

۹- یک عدد آویز دو پوسته از جنس طلا که در جهت قطر سوراخی جهت گذراندن نخ و امثال آن دارد. قطر آن ۱/۸ سانتی‌متر و وزن آن ۰/۷۶ گرم است.

۱۰- دو عدد دسته مربوط به آویزهای سینه ریز از جنس طلا.



یکی از گورهای اسلامی اوزاریک تپه

گور شماره ۵

در فاصله ۸ متری جنوب شرقی گمانه ۱۲ گوری را که متأسفانه قبلاً به وسیله قاچاقچیان زیر و رو شده بود، مورد بررسی مجدد قرار دادیم. در آن گور تخته سنگی که معمولاً جهت پوشاندن سطح گور استفاده می‌کنند، افتاده بود. هدف از بررسی این گور نیز یافتن مشابهت‌ها یا مغایرت‌های احتمالی با گورهای بررسی شده بود و دیگر دست یافتن به اشیایی که ما را در جهت شناسائی بیشتر کمک نماید. بزودی معلوم شد که این گور نیز مانند دیگر گورها، حفره‌ای قیفی شکل است که متأسفانه قاچاقچیان هیچ‌گونه شیئی‌ای را باقی نگذاشته‌اند.

گور شماره ۳

در قسمت پائین گور شماره ۵ در جهت شیب تپه، گمانه‌ای به طول ۶ متر و عرض ۲ متر انتخاب شد. در قسمت غرب این گمانه تا عمق حدود ۱۰۰ سانتی‌متری ادامه یافت اما هیچ‌گونه آثار یا شواهدی که دلالت بر وجود گوری داشته باشد، به دست نیامد. اما در منتهی‌الیه شرق این گمانه، خاک نرم‌تر بود و نشان می‌داد که باید در این قسمت احیاناً اثری وجود داشته باشد. خاکبرداری با دقت ادامه یافت. در عمق ۹۰ سانتی‌متری، مجموعه یک انسان پیدا شد. جسد به طور درازکش به پشت دفن شده بود. پوسیدگی اسکلت به حدی بود که فقط از اثرات استخوانهای پودر شده، توانستیم جهت اسکلت را تشخیص دهیم. در زیر سر اسکلت کاردی آهنی گذاشته بودند که دسته‌ای چوبی داشته است. اگر چه دسته آن پوسیده و از بین رفته است ولی از میخهایی که در دو طرف دسته کمی بیرون زده و پرچ شده بود به این موضوع پی بردیم. در قسمت بالای سر اسکلت، کوزه‌ای کوچک بدون نقش به رنگ آجری بود. همچنین یک حلقه انگشتر مفرغی از این گور به دست آمد. این گور بر خلاف گورهایی که قبلاً برشمردیم به صورت قیفی نبود و نیز از تخته سنگی جهت گذاشتن روی قبر استفاده نکرده بودند. با توجه به نوع و فرم ظرف سفالی این گور، باید قدری جدیدتر از قبور قیفی شکل باشد.

در همین جا باید اضافه کرد که بر اساس شواهد موجود و نیز ابعاد و شکل محل تدفین گورهای قیفی شکل، جسد می‌بایست به طریقه جنینی و جمع شده دفن شده باشد. اگر چه ما این شانس را نداشتیم اجساد را در سر جای خود ببینیم. در عمق گورها فضائی حداکثر ۸۰ × ۸۰ یا ۶۰ × ۶۰ سانتی‌متر وجود دارد که این فضا اجازه تدفین به صورت طاق باز یا شیوه دیگری را نمی‌دهد.

تاریخ‌گذاری

متأسفانه غارت گورهای ارمی مزار به وسیله قاچاقچیان، شانس بزرگی را در خصوص اطلاعات مربوط به این دوره از باستان‌شناسان

مقطع این دسته‌ها به صورت گلی با پنج گوی کوچک به صورت میلیه کنار هم قرار داده شده است. طول این دسته‌ها را سه ردیف گوی کوچک تشکیل می‌دهد. طول آن ۰/۴ سانتی‌متر و وزن آن جمعاً ۰/۵۶ گرم است.

۱۱ - یک عدد عقیق استوانه‌ای شکل مربوط به گردن‌بند. این عقیق در قطر دارای سوراخی جهت گذراندن نخ دارد. قطر آن ۰/۹ سانتی‌متر است.

۱۲ - یک مهره عقیق شبیه دانه تسبیح که قسمتی از آن شکسته است، طول آن ۱/۱۷ سانتی‌متر است و نیز یک دانه شیشه‌ای به رنگ خاکستری و سفید که آن هم شکسته است. طول آن ۰/۷ سانتی‌متر است.

۱۳ - ۵ عدد مهره فلزی شبیه دانه تسبیح (احتمالاً نقره‌ای) مربوط به گردن‌بند. قطر آن ۰/۴ سانتی‌متر و وزن آن جمعاً ۲/۷۰ گرم است.

۱۴ - یک مهره تزئینی گردن‌بند دراز از جنس سنگ خاکستری که دارای دسته‌ای از جنس نقره است. این مهره بر روی میله نقره‌ای که دو طرف آن به صورت قلاب بوده محکم شده است. طول مهره با دسته ۲/۴ سانتی‌متر است.

۱۵ - یک عدد انگشتر نقره‌ای با نگین گرد از همان جنس. قطر حلقه ۲/۴ سانتی‌متر، قطر نگین ۰/۹ سانتی‌متر و وزن آن ۳/۰۷ گرم است.

۱۶ - یک عدد حلقه کوچک نقره‌ای به قطر ۰/۹ سانتی‌متر و وزن ۱/۲۶ گرم.

۱۷ - یک عدد شئی نقره‌ای مجوف با پایه‌ای مکعب شکل به ابعاد ۱/۵ × ۱/۵ سانتی‌متر با چهار سوراخ گرد و در چهار جهت که دو به دو مقابل یکدیگر قرار دارند. قسمت بالای این شئی محدب است. وزن آن ۱۰/۰۸ گرم است.

۱۸ - قطعه شیئی آهنی دارای یک صفحه نیم دایره که چیزی شبیه قلاب به آن متصل شده است. این قطعه جزئی از یک شئی بوده است. قطر آن ۴/۹ سانتی‌متر است.

۱۹ - دو حلقه فلزی (مفرغ؟) که یکی شکسته و دیگری سالم است. قطر آن ۲/۲ سانتی‌متر است. این حلقه‌ها از گور شماره ۳ به دست آمده‌اند.

۲۰ - یک عدد تیغه آهنی زنگ زده و دارای قوس. بر روی دسته آن در دو طرف دو زائده بر آمده دارد که نشان می‌دهد این تیغه دارای دسته چوبی بوده است. طول آن ۱۵ سانتی‌متر است، این تیغه از گور شماره ۳ به دست آمده است.

۲۱ - ظرف سفالی کوچک بدون دسته و نقش، لبه و گردن آن شکسته است که وصالی شده است. بلندی آن ۹ سانتی‌متر و قطر دهانه ۴/۸ سانتی‌متر است.

سلب کرد. با توجه به از هم پاشیدگی گورها و اشیاء اندکی که بر حسب شانس و تصادف به دست ما رسید، علی‌القاعده تاریخ‌گذاری این محوطه را مشکل مینماید. معهذاً در بین همین اشیاء اندک، اسناد متقنی وجود دارد که با مقایسه با اشیائی که تاکنون شناخته شده‌اند، تاریخ‌گورها را مشخص می‌کند. لازم به یادآوری است که قطعات کوچک تزیینی طلائی همگی به جز سه دکمه تزیینی، از اجزاء گردنبند یا دستبند و نظایر آن هستند که فرم تزیین و کار روی آنها را نمی‌توان به یک دوره خاص مرتبط دانست. این گونه تزیینات به خصوص در هزاره اول قبل از میلاد و نیز در تمام طول دوره تاریخی رواج داشته است. اما آنچه ما را در جهت تاریخ‌گذاری این مجموعه و قبور یاری می‌دهد، وجود شیئی است به صورت ماسک که تقریباً شناخته شده است. این تصویر بدون شک از BBS نیمه خدای مصری است که بر بخشی از جهان آن روز نفوذ یافته و به ویژه در دوره هخامنشی نقش مهمی را به عنوان حافظ زنان و کودکان به خصوص جنگجویان در مقابل بلا یا بازی کرده است. نقش پس، حتی در بین اشیائی که از سیت‌ها باقی مانده است به چشم می‌خورد. نقش این نیمه خدا را به عنوان نظر قربانی یا به عبارتی به منظور جلوگیری از حدوث بلا یا به صورت آویزی در گردنبند یا به صورت دوخته روی لباس استفاده می‌کرده‌اند. این نقش را روی پلاکهای برنزه‌های لرستان و یا روی سپرهای این دوره می‌توان دید. ظاهراً منشاء گورگون (مدوز) در اساطیر یونان با نقش بس را باید یکی دانست. زیرا تقریباً همین نقش با همین قدرت به عنوان سمبلی از مبارزه پرسه (قهرمان یونانی) در مقابل گورگون‌ها، روی سینه آتنا (الهه عقل و خرد یونان) که پرسه را در کشتن گورگون‌ها یاری کرده بود جای گرفت و سپس حتی اسکندر مقدونی نیز همین نقش را به عنوان نظر قر بانی روی سینه خود نصب نمود. بنا بر همین اعتقاد، کسانی که نقش سر بریده گورگون را روی لباس خود داشتند از چشم زخم مصون بودند. هر چند بس نیمه خدای مصری است اما اعتقادات مربوط به آن به ایران و اورارتو بر می‌گردد که بعدها در مصر رواج یافته است.^(۸)

فرم صورت، به خصوص ریش بس گورستان دوسران حکایت از دوره متقدم هخامنشی دارد. چنانکه از آثار به جا مانده از دوره هخامنشی اعم از نقش برجسته، مجسمه و نقوش کهنه برمی‌آید، ریش و موهای مجعد از اختصاصات این دوره است. موهای ریش بس دوسران موازی هم نقش شده و می‌توان آنرا با نقش وسط سپری مربوط به قرن هفتم و یا هشتم قبل از میلاد برنزه‌های لرستان مقایسه کرد.^(۹)

هرچندکه ممکن است این موضوع دلایل همزمانی نداشته باشد. اما کلاهی که بر سر بس می‌بینیم کاملاً پارسی است. یک مقایسه اجمالی با کلاه نهبانان پارسی کاخ آپادانای تخت جمشید با این نقش ثابت می‌کند که هر دو دارای یک منشاء هنری هستند. به علاوه تعداد زیادی «بس» از جنس طلا که در حفاری‌های پاسارگاد کشف شده است شباهت زیادی با این آویز دوسران زنجان دارند.^(۱۰)

سه قطعه دیگر از آویز مربوط به گردنبند که آن هم از طلاست، اعتقاد ما را در صحت این تاریخ‌گذاری بیشتر می‌کنند. این سه قطعه طلائی، آویزهائی هستند که به صورت گل لوتوس نقش شده‌اند. هر سه این گلها دارای هفت پره هستند و انتهای دم گل به منظور استفاده به شکل آویز، به صورت لوله درآمده است. لازم به یادآوری است که پره‌های گل‌های لوتوس حجاری شده در تخت جمشید تعداد ثابتی ندارد. بین سه - ده - دوازده و سیزده متغیر است. در صورتیکه تعداد پره‌های گل لوتوس دوسران به طور ثابت و عدد هفت است. اگر چنانچه عدد ۷ بازگوکنند و تأکید بر سنتی نباشد، می‌توان تصور کرد که همه این آویزها با قالب واحدی پرس شده‌اند و در نتیجه یک شکل هستند. با توجه به فطالاب فوق قرن پنجم و ششم قبل از میلاد می‌تواند تاریخ گورستان دوسران زنجان باشد.

ذکر این نکته لازم است که اطلاعات ما از شیوه‌های تدفین در دوره هخامنشی بسیار محدود و منحصر است به آرامگاه‌های پادشاهان این سلسله در پاسارگاد. تخت جمشید و نقش رستم و در حقیقت به همان میزان که اطلاعات نسبتاً کاملی از معماری شاهانه و قصرهای اشرافی دوره هخامنشی داریم و هنوز تحلیل درستی از معماری مردمی آن زمان به دست نیامده است. درباره مرگ و شیوه‌های به خاکسپاری و اعتقادات مردم عادی زمان هخامنشی هم اطلاعات ما ناچیز است. هنوز باستان‌شناسان درباره مذهب پادشاهان هخامنشی و مردم عادی آن زمان توافق کامل ندارند. عده‌ای اعتقاد دارند، در این عصر بین آئین رسمی و درباری و دین بقیه مردم فرقی وجود داشته است.^(۱۱) طبیعی



خره مکشوفه از گمانه یک تپه نوری یری

است که این فرق بنگرش متفاوتی را با سنتها به دنبال خواهد داشت. شیوه تدفین در نزد مغان که از مادها بودند با شیوه تدفین پارسیان تفاوت داشته است. به این معنی که پارسیان مردگان خود را دفن می‌کردند، در حالی که مغان بنا به اعتقاد نیالودن آب و خاک و آتش، اجساد را در قله‌ها و برجهای بلند در معرض پرنندگان و وحوش قرار می‌دادند و سپس استخوانها را در جعبه‌ای فلزی یا سنگی قرار داده در جایی می‌گذاشتند.^(۱۲)

تابوتهای سنگی آرامگاه کورش در پاسارگاد و آرامگاه اردشیر دوم و سوم در تخت جمشید و نیز آرامگاههای داریوش بزرگ، اردشیر یکم، داریوش دوم^(۱۳) در نقش رستم همگی دارای ابعادی حدود ۱ × ۲ متر هستند و این ابعاد یقیناً برای قرار دادن استخوانها بعد از متلاشی شدن جسد نبوده است.

گیرشمن با صراحت اعلام می‌دارد که هخامنشی‌ها زردشتی نبودند، به همین دلیل مردگانشان را به خاک می‌سپردند.^(۱۴)

اما عده دیگری بر این باورند که اعتقاد بر نیالودن آب و خاک و آتش که سه آفریده مقدس اهورامزدا بودند در هخامنشی‌ها وجود داشته است و بر صخره نهادن جسد و جمع‌آوری استخوانها و نهادن در استودان^(۱۵) را نیز اجرا می‌کردند. از طرفی وجود تابوتهای سنگی نقش رستم و تخت جمشید و پاسارگاد^(۱۶) به ابعاد انسانی را می‌بایست توجیه کنند. به همین دلیل مسئله مومیایی را مطرح می‌کنند و می‌نویسند:

«اما راه دیگر این بود که کالبد را شکافته، قسمتهای نرم را بیرون آورند و با موم یا انگبین و مشک بیالایند و به اصطلاح مومیایی کنند و در درون صندوقهایی از سنگ بگذارند. (که نه آب، نه آتش و نه خاک را با آنها سر و کاری باشد) و رویشان را محکم بگیرند.»^(۱۷)

واقعیت این است که ما هیچ دلیلی در تأثیر نظریه فوق نداریم. از طرفی در مقابل تعداد زیاد قبور صخره‌ای شاهان هخامنشی فقط یک نمونه تدفین در خاک تاکنون شناخته شده که در شوش به وسیله هیأت کاوشهای فرانسوی به دست آمده است.^(۱۸) این تدفین در داخل تابوتی سفالی انجام گرفته و زیورآلات فراوانی به همراه جسد دفن شده بوده است.

اگر چه گورهای دوسران نیز با توجه به زیورآلات و اشیاء درون آنها می‌توانسته سلطنتی یا اشرافی باشد اما نوع تدفین را که نه به صورت بنایی چون قبر کورش است و نه به صورت تابوتهای کنده شده در دخمه‌ها، همچون تابوت سنگی داریوش بزرگ می‌تواند پایه‌ای برای تحقیقات این دوره باشد.

*

زیورنویسیها

۱. ERMENI MAZAR SANDOGHEH به تلفظ ترکی به معنی گورستان صندوقی شکل ارمنی‌ها. مشخص نیست بر اساس چه مأخذی این نام به وسیله اهالی به آن داده شده است.

۲- این گزارش در سال ۱۳۶۵ با دستگیری عده‌ای از متهمان کاوشهای غیرمجاز در دوسران زنجان به مرکز باستان‌شناسی ایران ارسال و به جهت اهمیت موضوع درخواست بررسی و کاوش در محل فوق شده بود.

۳- در زمستان سال ۱۳۶۵ شش نفر از اهالی روستای دوسران بناهای حاج علماله بهمنی و دو پسر و همچنین دامادش به نام حافظ بهمنی به وسیله تراکتور و سیم بکسل، سنگ بزرگی را که در شیب تپه و تردیک زمینهای زراعتی آنها بوده جا به جا و با کندوکاو مختصری اشیائی که بنا به اظهار حافظ بهمنی و علماله بهمنی ۲۲ قلم شامل دستبند و طلاکده دو سر آن به صورت قوچ بوده و یک جام طلا و یک عدد خنجر دسته طلا... به دست می‌آورند. اشیاء فوق به منزل علماله حمل و به سراغ دلال عتیقه‌که در ده مجاور دوسران بنام «باغ» ساکن بوده می‌روند. دلال مزبور به نام عزیزاله قیمت پائینی را پیشنهاد می‌نماید که به توافق نمی‌رسند. عزیز دلال گویا در این فاصله به تهران رفته، و سه نفر از خریداران را با خود به دوسران می‌آورد و معامله سر می‌گیرد. اما فروشنده بهتفه زنجان به تصور اینکه بالاخره به سراغش خواهند آمد، به انتظار می‌نشیند، ولی خبری نمی‌شود. بعد از پرس و جو متوجه می‌شود اشیاء به فروش رفته است. از آنجائی که خرید اشیاء را حق خود می‌دانسته که اکنون مغبون شده است، به اداره آگاهی مراجعه و موقوف را شرح می‌دهد. علماله بهمنی و پسران و دامادش و نیز عزیز دلال دستگیر و روانه زندان می‌شوند. مأمورین آگاهی به سراغ خریدار اشیاء که ساکن تهران بود، می‌روند. متأسفانه نامبرده متواری می‌گردد.

در بازرسی از منزل نامبرده مقادیری اشیاء عتیقه به دست می‌آید اما از اشیاء مربوط به دوسران خبری نبوده است. اداره آگاهی اذقانی را که اشیاء در آن بوده لاک و مهر می‌کند تا در فرصت مناسب به حمل آنها اقدام شود. بعد از مدتی وسیله انتقال فراهم می‌شود اما موقعی که مأمورین مراجعه می‌کنند، همسر خریدار متواری اشیاء اظهار می‌کند که چون خرت و پرت‌های داخل اتاق باعث دردرس شده بود، بیرون ریخته.

۴- OZARIK

۵- اعضاء هیأت در مدرسه دهکده مستقر شده بودند اما برای افراد مسلح در آن تپه‌ها، چادر زده شد. در شب ۶۶/۴/۱۴ چهار نفر از قاچاقچیان زنجان به همراه دیلم، بیل و کلنگ و چراغ سیار که به باطری چپ وصل می‌شد دستگیر شدند. آنها به تصور اینکه مأمورین مسلح نیز در مدرسه سکونت دارند، از تاریکی شب استفاده کرده به کندوکاو مشغول بودند که دستگیر و تحویل دادسرا شدند.

۶- گیرشمن، همان منبع، صفحه ۱۷۸

۷- احتمالاً چهار نفری که در شب ۶۶/۴/۱۴ بوسیله مأمورین دستگیر شدند، عاملین کاوش این گور بودند.

۸- گیرشمن، هنر ایران، ماد و هخامنشی، صفحه ۳۴۰

۹- گیرشمن، همان کتاب، تصویر ۴۳

۱۰- D. STRONACH, PASARGAD, 1978, PL. 154 - 158. و نیز نگاه کنید به:

گیرشمن، هنر ایران، ماد و هخامنشی، صفحه ۲۶۴ (تصویر پس در روی گوشواره از شوش)

۱۱- گیرشمن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه دکتر معین، تهران، ۱۳۷۰، صفحه ۱۷۲

۱۲- همان کتاب، صفحه ۱۷۳

۱۳- شاهپور شهبازی، شرح مصور نقش رستم ۱۳۵۷

۱۴- ر. گیرشمن، هنر ایران دوران ماد و هخامنشی، ترجمه دکتر عیسی یهنام چاپ دوم، ۱۳۷۱، صفحه ۲۳۰

۱۵- شاهپور شهبازی، شرح مصور تخت جمشید، ۲۵۲۵، صفحه ۷۹.

۱۶- در زیر شیروانی سقف آرامگاه کوروش در پاسارگاد دو تابوت سنگی کنده شده‌اند. این تابوتهای را اولین بار فرصت‌الدوله شیرازی در صفحه ۱۸۶ کتاب خود آنارالجم معرفی کرده است. اما در سال ۱۳۳۲ هنگامی که آقای علی سامی رئیس بنگاه علمی تخت جمشید به تعمیرات قبر کوروش اشتغال داشت، ضخامت بیش از حد شیروانی بالای آرامگاه (۳ متر) توجهش را جلب کرده بعد از پیگیری موضوع دو تابوت سنگی به ابعاد ۱ × ۲ متر و بلندی ۸۷ سانتی‌متر که در سنگ بالای سقف آرامگاه کنده شده بودند، دیده است. او تصور کرده کاشف این قبور است.

۱۷- شهبازی، شرح مصور نقش رستم، صفحه ۳۹

۱۸- علی سامی، گزارشهای باستان‌شناسی، مجلد چهارم ۱۳۳۸، صفحات ۵۱ تا ۴۷

۱۹- شهبازی، شرح مصور نقش رستم تصویر ۶



با مطالعه آثار، شواهد، قرائن و مدارک به دست آمده از زندگی انسان در روی زمین معلوم می‌شود که نزاع، نبرد، درگیری و جنگ پیوسته با حیات و زندگی وی همراه و همگام بوده است. بیشترین مصنوعات انسانهای اولیه را ابزارهایی نظیر تبر، گرز، پیکان، سر نیزه و چاقوهای سنگی تشکیل می‌داده است که بخشی از آنها در جنگ با طبیعت و حیوانات وحشی و بخش دیگر برای نبرد و جنگ با هموعان و انسانهای دیگر به کار می‌رفته است.

جنگ با همه سختیها، تلخیها و دشواریها نه تنها هرگز از زندگی انسان جدا نشده؛ بلکه در مواقعی که به تثبیت حق و حقوق قوم، قبیله، طایفه یا ملتی منجر می‌گشته، بسیار گوارا و مطلوب بوده است. در تاریخ هرگز تفکر، اندیشه، باور، دین، آئین و اعتقادی را نمی‌توان یافت که به تشویق و ترغیب پیروان خویش برای شرکت در جنگ، به خصوص جنگهای دفاعی نپرداخته باشد. علاوه بر آن هرگز ملت و فردی را نمی‌توان یافت که بدون لبخند زدن به روی جنگ و مصائب آن توانسته باشد دوام، بقا و امنیت خود را در تاریخ حفظ کرده باشد. تاریخ ملتها، اقوام و سرزمینهای متمدن دنیای قدیم و جدید لبریز از شواهد و مدارک و حوادثی است که بیانگر این حقیقت مسلم می‌باشد. یکی از ملتها و تمدنهایی که توانسته در نبرد سرنوشت‌ساز تاریخ حیات و زندگی در مقابل انبوه تهاجمها، یورشها و حملات ویرانگر و خانمان‌برانداز بیگانگان ایستادگی نماید و حقانیت و شایستگی خود را

می‌شد که امروزه از نوع پیشرفته‌تر آن مثل توپ، موشک و... استفاده می‌شود، بحث اصلی ما در این مقاله طرح شیوه‌های قلعه‌گیری در کتاب شاهنامه فردوسی است و سعی شده است با مطالعه شاهنامه فردوسی، شیوه‌های تسخیر قلعه‌های نظامی و حصارهای دفاعی شهرها استخراج شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد تا به مصداق گفته و گذشته چراغ راه آینده است» مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

قبل از پرداختن به موضوع اصلی لازم است اشاره نمایم که شاید شهری را که در قدیم بدون حصار و برج و بارو بوده باشد، نتوان یافت. هر حکومتی برای آنکه امنیت مناطق مسکونی تحت امر را تأمین نماید، دستور ساخت استحکامات مورد نیاز دفاعی صادر می‌کرده است. علاوه بر آن قلعه‌هایی نیز در نقاط سوق‌الجیشی و مناسب احداث می‌کردند تا در مواقع لزوم و حملات سخت مورد استفاده قرار گیرد. این قلعه‌ها گاهی پادگانه‌های نظامی یا انبارهای اسلحه و آذوقه بوده و گاهی نیز برای پناه دادن افراد ناتوان و پیر، زنان و کودکان و در مواقع اضطراری به جهت پناهنگاه همگانی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. فردوسی در شاهنامه به موارد متعددی از این گونه اقدامات اشاره می‌کند که به عنوان نمونه به بیان برخی از آنها می‌پردازیم.

فردوسی داستان ساختن دژ «قلعه» هفتواد را این گونه بیان می‌کند: (۱)
یکی دژ بکرد از بر تیغ کوه شد آن شهر با او همه همگروه
نهاده بر آن دژ دری آهنین هم آرامگه گشت و هم جای کین

شیوه‌های قلعه‌گیری در شاهنامه

ناصر پازوکی

در جای دیگر که فردوسی از اقدامات شاپور سخن می‌گوید آمده است:

به پارس اندرون شارسانی بلند برآورده پاکیزه و سودمند
کهن دژ به شهر نشاپور کرد که گویند با داد شاپور کرد

از اقدامات بزرگی که برای تأمین امنیت بخشی از سرزمین ایران یعنی طبرستان و مازندران انجام شده و در تاریخ ثبت شده است احداث دیوار گرگان است که فردوسی بنای آن را به نوشیروان نسبت داده است: (۲)

از اینگونه لشکر بگرگان کشید

سوی تاج و تخت بزرگان کشید

و در جای دیگر می‌گوید:

برای بقا و حیات و استقلال سیاسی و فرهنگی به اثبات رساند، ایران و ایرانی است.

ایرانی و تمدن ایرانی توانسته با کاردانی و لیاقت تمام، در مصاف با رقیبان سرسختی مانند یونان، روم، مصر، بابل، آشور، هند، عرب، ترک و مغول سالهای متمادی مبارزه کرده و سرزمین و ملیت خویش را حفظ کند. هر چند که برهه‌هایی از زمان مغلوب سیاسی قدرتهای مهاجم شد اما در همان شرایط با درایت و کیاست مردان بزرگ خود توانست اقوام مهاجم را در فرهنگ‌غنی و پر بار خویش ذوب و محو کرده و در نهایت بر آنها غلبه نموده و تابع فرهنگ ایرانی کند. اینها همه حاصل ایثار، از خودگذشتگیها و لبخندی بود که به روی جنگ و نبرد زده شد.

شیوه‌های جنگی و ابزارهای آن در هر دوره از زمان متفاوت است. در قدیم از ابزارآلات جنگی خاصی چون نیزه، شمشیر، چاقو و... استفاده